

مقایسه رشد اجتماعی و شناختی کودکان ۵ تا ۷ ساله بر اساس سبک‌های فرزندپروری
 محمدرضا بلیاد^۱، حفیظه مجیدآو^۲، حسن احدی^۳

Comparison of social and cognitive development of 5-7 year old children based on parenting styles

Mohammad Reza Baliad¹, Hafizeh MajidAv², Hasan Ahadi³

چکیده

زمینه: رشد شناختی و اجتماعی کودکان ۵ تا ۷ ساله در زندگی کودکان و آینده آنها تأثیر بسزایی دارد. اما مسئله اصلی این است که آیا بین رشد اجتماعی و شناختی کودکان ۵ تا ۷ ساله بر اساس سبک‌های فرزند پروری تفاوت وجود دارد؟ **هدف:** هدف پژوهش حاضر مقایسه رشد اجتماعی و شناختی کودکان ۵ تا ۷ ساله بر اساس سبک‌های فرزند پروری بود. **روش:** روش پژوهش از نوع علی - مقایسه ای بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کودکان ۵ تا ۷ ساله مراکز پیش دبستانی و دبستانی شهر کرج و مادران آنان درسال ۹۷-۹۸ بود. تعداد ۱۲۰ نفر از کودکان سنین ۵ الی ۷ ساله و مادران آنان با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای تک مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش عبارتند از: آزمون ماتریس‌های پیشرونده ریون رنگی (دنگی ریون، ۱۹۴۷)، آزمون رشد اجتماعی وایلند (ادگار، ۱۹۵۳) و پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند (بامریند، ۱۹۹۱). داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل واریانس (آنووا) تجزیه و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** بین رشد اجتماعی و شناختی کودکان بر اساس سبک‌های فرزند پروری تفاوت وجود دارد، رشد شناختی و اجتماعی کودکان والدین دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه بیشتر از کودکان والدین دارای سبک فرزندپروری مستبدانه و آزادگذار است ($P < 0/05$). **نتیجه گیری:** می‌توان برای رشد اجتماعی و شناختی کودکان از سبک‌های فرزند پروری صحیح استفاده کرد و هر چه والدین سبک فرزند پروری مقتدرانه را پیش بگیرند رشد شناختی و اجتماعی کودکان بیشتر می‌شود.

واژه کلیدها: شیوه‌های فرزندپروری، رشد شناختی، رشد اجتماعی

Background: Cognitive and social development of 5-7 year-old children has a significant impact on children's lives and their future. But the key question is whether there is a difference between the social and cognitive development of 5 to 7 year olds based on parenting styles. **Aims:** The purpose of the present study was to compare the social and cognitive development of 5-7 year old children based on parenting styles. **Method:** The research method was causal-comparative. The statistical population of the study included all children 5-7 years old in preschool and preschool centers in Karaj and their mothers in 2018-2019. A sample of 120 children aged 5 to 7 years and their mothers were selected using single-stage cluster random sampling. Research tools include the Color Raven Progressive Matrices Test (Deng Raven, 1947), the Wildland Social Growth Test (Edgar, 1953), and the Bamrind Parenting Practices Questionnaire (Bamrind, 1991). Data were analyzed using ANOVA. **Results:** There is a significant difference between social and cognitive development of children based on parenting styles. **Conclusions:** Correct parenting styles can be used for the social and cognitive development of children, and the more parents adopt a strong parenting style, the more their children's cognitive and social development will increase. **Key Words:** Parenting styles, cognitive development, social development
 Corresponding Author: Belyad110@gmail.com

۱. دانش‌آموخته، گروه روانشناسی، دانشگاه صدرالدین عینی جمهوری تاجیکستان (نویسنده مسئول)

۱. Graduated Educational Psychology, Sadroddin Eyni University, Tajikistan Republic (Corresponding Author)

۲. استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه صدرالدین عینی جمهوری تاجیکستان

۲. professor, Department of Psychology, Sadroddin Eyni university, Tajikistan Republic

۳. استاد، گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۳. Professor, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

پذیرش نهایی: ۹۸/۱۲/۰۱

دریافت: ۹۸/۱۰/۲۷

مقدمه

رشد شناختی تغییرات منظمی است که در طول فرآیند (دانستن، فهمیدن، یادآوری و اندیشیدن) رخ می‌دهد. در زبان روزمره شناخت را به معنای دانستن معرفی می‌کنند ولی در زبان روانشناسی به معنای جریان‌های تفکر و یادگیری و چگونگی سازمان دادن، ذخیره سازی و به کارگیری اطلاعات است (کومر، چو، چان، کوپر و ویلسون، ۲۰۱۳).

سبک‌های فرزند پروری روش‌هایی هستند که والدین در برخورد با فرزندان اعمال می‌کنند. این سبک‌ها در شکل‌گیری و رشد شخصیتی و رفتاری آنها تأثیر فراوانی دارد، بامریند سه سبک فرزند پروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه را ارائه کرده است. پژوهش‌های انجام شده روی این سه سبک نشان داده است که هر کدام از این سبک‌ها می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی در کودکان را به همراه داشته باشد. سبک مستبدانه با تقاضای بالای والدین و پاسخ‌دهی کم آنها مشخص می‌شود با پیامدهای منفی مانند مشکلات رفتاری درونی‌سازی و برونی‌سازی همراه است (پرنده، ۲۰۱۰). سبک فرزند پروری مقتدرانه با ترکیبی از مهارگری و حمایت بالای عاطفی، سطوح مناسبی از استقلال و ارتباط دوسویه میان کودک و والد را تأمین می‌کند. این سبک با پیامدهای تحولی مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بالاتر، اتکاب خود بیشتر، انحراف رفتاری کمتر و روابط بهتر با همسالان همراه است. در سبک سهل‌گیرانه که با تقاضای کم والدین و پاسخ‌دهی بالای آنها مشخص می‌شود، والدین با توجه بیش از حد به فرزندان انتظارات کمی از آنان دارند (شفیع پور، شیخی، می‌زایی و کاظم نژاد لیلی، ۱۳۹۴).

پروتمن، کالزادا، هانگ، کینگستون، داوسون، کامبوکوس، روسنفلت، اسپچواب و پتکوا (۲۰۱۱) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که آموزش کودکان در سال‌های اولیه زندگی از اهمیت خاصی برخوردار است. کوچانسکا، کیم، بولدت و یون (۲۰۱۳) در پژوهش خود دریافتند که بازی‌های پیش دبستانی نسبت به فعالیت‌های معمول می‌تواند برنامه مناسبی برای رشد اجتماعی و رشد مهارت‌های ادراکی و حرکتی کودکان و باعث پیشرفت آنان در سال‌های بعدی می‌شود. شفیع پور و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود دریافتند، سبک فرزند پروری مقتدرانه هم با مشکلات رفتاری درون‌سازی شده و هم با مشکلات برونی‌سازی شده رابطه منفی و معنادار دارد. سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه با مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده رابطه مثبت و معنادار دارد. موحذزاده و صفایی

آموزش در دوران اولیه کودکی مورد توجه و علاقه طیف وسیعی از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، فلاسفه، دانشمندان و روانشناسان بوده است. امروزه بسیاری از اندیشمندان، سال‌های پیش از دیستان را پرثمرترین سال‌ها برای آموزش و یادگیری می‌دانند و معتقدند که کودک خردسال با سرعتی بیشتر از آنچه بعدها خواهد توانست، یاد می‌گیرد و ارتباطات و تداعی‌های ذهنی اولیه او از چنان پایداری برخوردارند که در سال‌های بعدی چنین دوامی ندارد (اسچویمارکر، مولدر، دیکوویس و ماتسین، ۲۰۱۳). این مسئله باعث گردیده است که به تعلیم و تربیت کودک در این سنین با دیدی عمیق و علمی نگریده شود و کودک به عنوان رکن اساسی تعلیم و تربیت بیش از پیش مورد توجه متخصصان قرار گیرد (ریسکورالف آچینباچ، ایوانووا، هارد، آتن، ییلینبرگ، بجانادوتیر، کاپرون، پایو و دوبران، ۲۰۱۱).

رشد و تکامل کودک به طور منظم و مداوم در زمینه و طرح مشخصی صورت می‌گیرد. رشد، قابل مشاهده، ارزشیابی و اندازه‌گیری است و در سیستم اعصاب از طریق علایم فیزیولوژیکی و رفتار جلوه‌گر می‌شود. آثار و علایمی که در جنبه‌های مختلف رفتار ظاهر می‌شود، شاخص میزان رشد را تشکیل می‌دهد (دونگان و ماگوسون، ۲۰۱۱).

رفتار اجتماعی پایه و اساس زندگی فرد را تشکیل می‌دهد و رشد اجتماعی نیز سبب رشد عقلانی فرد می‌شود. منظور از رشد اجتماعی، تکامل فرد در روابط اجتماعی است به طوری که بتواند با افراد جامعه‌اش هماهنگ و سازگار باشد. کودکانی که با رفتار اجتماعی ضعیف وارد مدرسه می‌شوند، با مشکلاتی مثل طرد هم‌تاهای، مشکلات رفتاری و سطح پایین موفقیت تحصیلی روبه‌رو می‌شوند (هانگ، وانگ، ورنر، ۲۰۱۰). گارتستین، پونتام روبرت (۲۰۱۲) معتقدند رشد اجتماعی آن‌بخش از رشد همه‌جانبه کودک است که به وسیله افراد دیگر، محیط و نهادهای اطراف کودک تأثیر می‌پذیرد، وجود شرایط مناسب محیطی، خانوادگی و اجتماعی در طی سال‌های اولیه تأثیر به‌سزایی در جلوگیری از مشکلات جسمی و روانی دارد، به طوری که محققان به این امر مهم دست یافته‌اند که سال‌های اولیه در شکل‌گیری هوش، شخصیت و رفتار اجتماعی سال‌های حساسی هستند (گارتستین، پونتام و روبرت، ۲۰۱۲).

میزان توانایی فرد را در برآوردن نیازهای عملی خود و قبول مسئولیت اندازه‌گیری می‌کند. گرچه این مقیاس، گستره سنی تولد تا بالاتر از ۲۵ سالگی را دربر می‌گیرد، تا ۱۲ سالگی برای هر سال، سؤال‌های مجزا دارد، اما از دوازده سالگی به بعد بین ۱۲ تا ۱۵ سالگی، ۱۵ تا ۱۸ سالگی، ۱۸ تا ۲۰ سالگی، ۲۰ تا ۲۵ سالگی، و ۲۵ سالگی به بالا سؤال‌های مشترکی دارد. با این حال معلوم شده است که کارآمدی آن در سنین پایین‌تر، بویژه در گروه‌های یک ساله بیشتر است. اطلاعات مورد نیاز از راه مصاحبه با والدین آزمودنی یا خودآزمودنی به دست می‌آید. ماده‌های آزمون به هشت طبقه خودیاری عمومی، خودیاری در غذا خوردن، خودیاری در لباس پوشیدن، خودفرمانی، اشتغال، ارتباط زبانی، جا به جایی، و اجتماعی شدن تقسیم شده است. با توجه به نمره‌های شخص در مقیاس می‌توان سن اجتماعی و بهره اجتماعی را محاسبه کرد (زادشیر و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین، زادشیر و همکاران (۱۳۸۸) ضریب پایایی آزمون را با استفاده از روش آلفای کرانباخ ۰/۶۸ به دست آورد.

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند: بامریند (۱۹۷۱، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱) برای تحقیقات خود پرسشنامه‌ای را طراحی کرد که به نام خود او معرف شد. این پرسشنامه ۳۰ سؤال دارد. در مقابل هر سؤال ۵ گزینه به صورت کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظر، مخالفم و کاملاً مخالفم قرار دارد که به ترتیب از صفر تا چهار نمره‌گذاری می‌شود. از جمع سؤالات مربوط به هر شیوه فرزندپروری، سه نمره مجزا به دست می‌آید. هر شیوه‌ای که بیشترین نمره را به خود اختصاص دهد به مثابه شیوه فرزندپروری آن والد در نظر گرفته می‌شود (کرد نوقابی، ۱۳۷۸). اسفندیاری (۱۳۷۴) برای بررسی روایی پرسشنامه از روش روایی محتوایی استفاده نمود. به این صورت که پرسشنامه مذکور را به سه تن از روانشناسان و روان‌پزشکان صاحب نظر در این زمینه سپرد تا روایی محتوایی آن را بررسی نمایند. نتیجه نشان داد که پرسشنامه از روایی محتوایی بالایی برخوردار است. همچنین، میزان پایایی آزمون با استفاده از روش آلفای کرانباخ برای خرده مقیاس مقتدرانه ۰/۷۳، مستبدانه ۰/۷۷ و سهل‌گیرانه ۰/۶۹ به دست آورد.

آزمون ماتریس‌های پیشرونده ریون رنگی: فرم دنگی ریون در سال ۱۹۴۷ توسط ریون در انگلستان ساخته شد. این آزمون دارای ۳۶ تصویر است که اکثر آنها رنگی هستند و برای آزمایش هوش کودکان ۵ تا ۱۱ ساله و بزرگسالان عقب مانده ذهنی تهیه شده است (آناستازی، ترجمه براهنی، ۱۳۷۱). لن. این آزمون در سال ۱۳۷۱

اردکانی (۱۳۹۶) در پژوهش خود دریافتند، خودیاری عمومی دانش‌آموزان دختر اول ابتدایی برخوردار از خدمات مهد کودک، بهتر از خودیاری عمومی دانش‌آموزان دختر اول ابتدایی نابرخوردار از خدمات مهد کودک می‌باشد. بنابراین، نیاز به مطالعه کودکان پیش دبستانی مسلم است. با توجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال پژوهشی است، آیا بین رشد اجتماعی و شناختی کودکان ۵ تا ۷ ساله بر اساس سبک‌های فرزند پروری تفاوت وجود دارد؟

روش

پژوهش توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش متشکل از کودکان ۵ تا ۷ ساله مراکز پیش دبستانی و دبستانی شهر کرج و مادران آنان در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۷ بود. تعداد ۱۲۰ نفر از کودکان سنین ۵ الی ۷ ساله و مادران آنان با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای تک مرحله‌ای از مراکز آموزش پیش دبستانی و دبستانی انتخاب گردیدند. به این صورت که از میان مراکز آموزش پیش دبستانی و دبستانی شهر کرج ۳ مرکز به صورت تصادفی انتخاب گردیدند. سپس، پژوهشگر و همکاران او با مراجعه به مدارس منتخب از کودکان پنج تا ۷ ساله این مدارس آزمون ریون گرفتند. بعد از سنجش سطح شناختی دانش‌آموزان، با هماهنگی مدیر مدرسه یک جلسه اولیا با حضور مادران این دانش‌آموزان برگزار گردید. پس از توضیح هدف پژوهش، از کلیه از والدین حاضر در جلسه درخواست شد تا به دو پرسشنامه رشد اجتماعی و اینلند و شیوه‌های فرزندپروری بامریند پاسخ دهند. ملاک ورود به پژوهش عبارت بود از، رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش - سواد خواندن و نوشتن مادران، ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش بود. به منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش در مورد محرمانه بودن اطلاعات به نمونه‌های پژوهش اطمینان داده شد. بدین ترتیب داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری و در نهایت با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ و با استفاده از روش آماری تحلیل واریانس (آنووا) تجزیه و تحلیل شدند.

ابزار

آزمون رشد اجتماعی و اینلند: این مقیاس توسط ادگار در سال (۱۹۵۳) ساخته شد و در سال (۱۹۶۵) در آن تجدید نظر نمود. این آزمون آخرین بار در سال (۱۹۸۴) مجدداً توسط اسپارو، بالا، و سی جتی تجدید نظر شد. این مقیاس یکی از مقیاس‌های تحولی است که

بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت کودکان ۵ الی ۷ ساله ایرانی و تاجیکی از نظر رشد اجتماعی با یکدیگر تفاوتی ندارند.

جدول ۴. تی محاسبه شده برای مقایسه رشد شناختی در کودکان ۵ الی ۷ ساله ایرانی و تاجیکی

کشور	تعداد	میانگین	df	t	سطح معناداری (P)
ایران	۶۰	۱۰۹	۱۱۱	۰/۴۸	۰/۶۳
تاجیکستان	۵۳	۱۰۷			

برای مقایسه میانگین رشد شناختی در کودکان سنین ۵ الی ۷ ساله ایرانی و تاجیک از آزمون تی برای گروه‌های مستقل استفاده شد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مقدار تی محاسبه شده برابر با (۰/۴۸) است که این مقدار از نظر آماری معنادار نمی‌باشد. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت کودکان ۵ الی ۷ ساله ایرانی و تاجیک از نظر رشد شناختی با یکدیگر تفاوتی ندارند.

برای مقایسه میزان رشد اجتماعی کودکان خانواده‌های دارای شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و آزادگذار از تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. نتیجه آماری نشان می‌دهد که میزان رشد اجتماعی فرزندان خانواده‌های دارای شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه، و آزادگذار با احتمال ۹۹ درصد تفاوت معناداری وجود دارد.

توسط براهنی در شهر تهران هنجاریابی و معادل‌های بهره هوشی و رتبه درصدی برای کودکان ۵ تا ۱۰ ساله تهرانی به دست آورد. در یک مطالعه رحمانی و عابدی (۱۳۸۴) به منظور بررسی پایایی آزمون هوشی ماتریس‌های پیش‌رونده رنگی ریون به روش بازآزمایی، یک گروه ۳۰ نفره از آزمودنی‌ها را به روش تصادفی انتخاب و در دو نوبت به فاصله زمانی یک ماه مورد آزمون قرار گرفتند. ضریب همبستگی بازآزمایی آزمون ۰/۸۶ به دست آمد.

یافته‌ها

جدول ۱. فراوانی و درصد کودکان ایرانی و تاجیک مورد مطالعه

کشور	فراوانی	درصد
ایران	۶۰	۱۰/۵۳
تاجیکستان	۵۳	۹۰/۴۶

همان‌گونه که مشاهده می‌شود جامعه آماری دو کشور ایران و تاجیکستان است، از کشور ایران ۶۰ نفر (۱۰/۵۳) و از کشور تاجیکستان ۵۳ نفر (۹۰/۴۶) را تشکیل می‌دهد.

جدول ۲. فراوانی و درصد سن نمونه‌های ایرانی و تاجیک مورد مطالعه

کشور	فراوانی	درصد	تاجیکستان	فراوانی	درصد
ایران	۲	۰/۳۳	۵ سال	۷	۱۳/۲
	۹	۰/۱۵	۶ سال	۲۴	۴۵/۳
	۴۹	۸۱/۷	۷ سال	۲۲	۴۱/۵

در جدول مذکور درصد و میزان سن کودکان دو کشور که بین ۵ الی ۷ سال است را بیان می‌کند. بطوری که از جمعیت نمونه ایرانی ۵ ساله ۰/۳۳، ۶ ساله ۰/۱۵ و ۷ ساله ۸۱/۷ و از کل جمعیت نمونه کودکان تاجیکستانی، ۵ ساله ۱۳/۲، ۶ ساله ۴۵/۳ و ۷ ساله ۴۱/۵ می‌باشد.

جدول ۳. تی محاسبه شده برای مقایسه رشد اجتماعی در کودکان ۵ الی ۷ ساله ایرانی و تاجیکی

کشور	تعداد	میانگین	df	t	سطح معناداری (P)
ایران	۶۰	۱۰۹	۱۱۱	۱/۸۸	۰/۰۶
تاجیکستان	۵۳	۱۱۶			

برای مقایسه میانگین رشد اجتماعی در کودکان سنین ۵ الی ۷ ساله ایرانی و تاجیک از آزمون تی برای گروه‌های مستقل استفاده شد. همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود، مقدار تی محاسبه شده برابر با (۱/۸۸) است که این مقدار از نظر آماری معنادار نیست.

جدول ۵. تحلیل واریانس یک‌راهه برای مقایسه میزان رشد شناختی کودکان خانواده‌های دارای شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و آزادگذار					
منابع پراکندگی	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	f	سطح معناداری (P)
بین گروهی	۵۱۲۶/۵۶	۲	۲۵۶۳/۲۸	۱۲/۷۱	۰/۰۰۰
درون گروهی	۲۲۱۷۳/۵۰	۱۱۰			
کل	۲۷۳۰۰/۰۷	۱۱۲	۲۰۱/۵۷		

جدول ۶. تحلیل واریانس یک‌راهه برای مقایسه میزان رشد اجتماعی کودکان خانواده‌های دارای شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و آزادگذار					
منابع پراکندگی	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	f	سطح معناداری (P)
بین گروهی	۴۱۴۴/۸۵	۲	۲۰۷۲/۴۲	۷/۴۶	۰/۰۰۱
درون گروهی	۳۰۵۲۰/۹۸	۱۱۰			
کل	۳۴۶۵/۸۳	۱۱۲	۲۷۷/۴۶		

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر مقایسه رشد اجتماعی و شناختی کودکان ۵ تا ۷ ساله بر اساس سبک‌های فرزند پروری بود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که رشد شناختی و رشد اجتماعی کودکان مادران دارای سبک فرزندپروری مقتدر بیشتر از کودکان مادران دارای سبک فرزندپروری مستبد و آزادگذار است. یافته‌های این پژوهش با پژوهش بروتمن و همکاران (۲۰۱۱)، کوچانسکا و همکاران (۲۰۱۳)، شفیع پور و همکاران (۱۳۹۴)، موحذزاده و صفایی اردکانی (۱۳۹۶) هماهنگ بود. والدین دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه به نیازها و توانایی‌های کودکان خود توجه دارند. آنها تلاش می‌کنند تا در هدایت فرزندان از صمیمیت، احترام، کنترل غیرمستقیم، و انتظارات معقول استفاده نمایند. آنها برای خواسته‌هایی که از فرزندان خود دارند، از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می‌کنند. فرزندان والدین سهل‌گیر از پیشرفت تحصیلی ضعیف، سلامت روانشناختی و عزت-نفس اندک، برخوردارند (ابوبکر و همکاران، ۲۰۱۲، غلامی لواسانی، ۲۰۱۱، اصلان، ۲۰۱۱). والدین سهل‌گیر برای کودکان خود محیطی گرم، آزاد و پذیرا بوجود می‌آورند، بر کارها و رفتارهای آنها نظارت و کنترلی ندارند، به آنها بیش از حد آزادی می‌دهند و خطاهای آنها را نادیده می‌گیرند. در نهایت، اگر چه کودکان والدین مستبد کودکانی مطیع و بدرفتاری اندکی دارند، اما از پیشرفت تحصیلی پایین، خودپنداره ضعیف، پرخاشگری بیشتر و سطوح بالای مشکلات روانی و جسمی رنج می‌برند (ابوبکر و همکاران، ۲۰۱۲، استرنبرگ و همکاران، ۱۹۹۴، غلامی لواسانی، ۲۰۱۲). به این دلیل که والدین

مستبد فاقد گرمی و صمیمیت در روابط خود با فرزندان هستند، انتظار دارند که فرزندان خواسته‌ها و تقاضاهای آنها را بدون بحث و بی‌چون و چرا برآورده کنند. در این خانواده‌ها به کودکان اجازه ابراز عقیده داده نمی‌شود و فرصت کمی برای تفکر درباره موقعیت‌ها و استدلال و تصمیم‌گیری وجود دارد. در تحقیقات یاد شده، نشان داده شد که شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و استبدادی بر رشد کودک اثر منفی می‌گذارد. اما شیوه فرزند پروری مقتدرانه رشد اجتماعی و شناختی کودک را تسهیل می‌کند. کودکان والدین مقتدر، سطوح بالایی از شایستگی، رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی نشان می‌دهند. زیرا والدین دارای سبک فرزند پروری مقتدرانه به نیازها و توانایی‌های کودکان خود توجه دارند. آنها تلاش می‌کنند تا در هدایت فرزندان از صمیمیت، احترام، کنترل غیرمستقیم، و انتظارات معقول استفاده نمایند. آنها برای خواسته‌هایی که از فرزندان خود دارند، از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می‌کنند. فرزندان والدین سهل‌گیر از پیشرفت تحصیلی ضعیف، سلامت روانشناختی و عزت‌نفس اندک، برخوردارند. با توجه به آنچه که در بالا گفته شد، طبیعی است که فرزندان والدین سهل‌گیر و مستبد در مقایسه با فرزندان والدین مقتدر از رشد شناختی و اجتماعی اندکی برخوردار باشند. از جمله محدودیت‌های این پژوهش این است که نتایج یافته‌های بدست آمده تنها قابل کاربرد در جامعه آماری پژوهش حاضر می‌باشد و نمی‌توان آن را به جامعه آماری دیگر تعمیم داد. همچنین در این پژوهش امکان کنترل متغیرهایی مثل ویژگی‌های فرهنگی و شخصیتی گروه مورد مطالعه وجود نداشت. از این رو، با توجه به

- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental psychology monographs*, 4(1), 25-37.
- Brotman, L.M., Calzada, E., Huang, K.Y., Kingston, S., Dawson McClure S, Kamboukos D, Rosenfelt, A. Schwab., A. Petkova., E. (2011). Promoting Effective Parenting Practices and Preventing Child Behavior Problems in School among Ethnically Diverse Families from Underserved, Urban Communities. *Child Development*, 82(1), 258-76.
- Comer, J.S., Chow, C., Chan., P.T., Cooper, Vince, C., Wilson, L.A. (2013). Psychosocial Treatment Efficacy for Disruptive Behavior Problems in Very Young Children: A Meta-analytic Examination. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 52(1), 26-36.
- Duncan, G.J, Magnuson, K. (2011). The Nature and Impact of Early Achievement Skills, Attention Skills, and Behavior Problems. *Whither Opportunity*, 1, 47-70.
- Gartstein, M.A., Putnam, S.P., Rothbart, M.K. (2012). Etiology of Preschool Behavior Problems: Contributions of Temperament Attributes in Early Childhood. *Infant Mental Health Journal*, 33(2), 197-211.
- Gholamali Lavasani, M., Borhanzadeh, S., Afzali, L., Hejazi, E. (2011). The relationship between perceived parenting styles, social support with psychological well-being. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 15, 1852-1856.
- Huang, C.C., Wang, L.R., Warren, C. (2010). Effects of Domestic Violence on Behavior Problems of Preschool-Aged Children: Do Maternal Mental Health And Parenting Mediate The Effects?. *Children and Youth Services Review*, 32(10), 1317-23.
- Kochanska, G., Kim, S., Boldt, L.J, Yoon, J.E. (2013). Children's Callous Unemotional Traits Moderate Links between Their Positive Relationships with Parents at Preschool Age and Externalizing Behavior Problems at Early School Age. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 54(11), 1251-60.
- Parand, A. (2010). Parenting Styles and Their Efficacy on children behaviors. *Maghale*, 167, 59-58. Persian
- Rescorla, L.A., Achenbach, T.M., Ivanova, M.Y., Harder, V.S., Otten, L., Bilenberg, N., Bjarnadottir, G., Capron, C., De Pauw, S.S., Dias P, Dobrea, A. (2011). International Comparisons of Behavioral and Emotional Problems in Preschool Children: Parents' Reports from 24 Societies. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 40(3), 456-67.
- Schoemaker, K., Mulder, H., Deković, M., & Matthys, W. (2013). Executive Functions in Preschool Children with Externalizing Archive of SID Behavior Problems: A Meta-analysis. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 41(3), 457-71.
- یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود، شیوه‌های فرزند پروری (فرزند پروری مقتدر، مستبد و آزادگذار) و تأثیرات فرزند پروری به صورت جداگانه مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرند.

منابع

آناستازی، آن (۱۳۷۱). روان‌آزمایی. ترجمه محمدتقی براهنی. انتشارات: دانشگاه تهران.

اسفندیاری، غلامرضا (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری فرزندان. پایان نامه کارشناسی ارشد، انستیتو روان‌پزشکی.

زادشیر، فرزانه؛ استکی، مهناز و امامی پور، سوزان (۱۳۸۸). مقایسه قضاوت اخلاقی و رشد اجتماعی دانش‌آموزان دبستان‌های غیرانتفاعی تحت تعلیم آموزش قرآن به شیوه حفظ با معانی با غیرانتفاعی عادی. *مجله روانشناسی کاربردی*، ۲(۱۰)، ۴۷-۲۵.

رحمانی، جهانبخش و عابدی، محمدرضا (۱۳۸۴). هنجاریابی آزمون ریون رنگی کودکان ۵ تا ۱۰ ساله در استان اصفهان. *فصلنامه آموزه*، ۲۳، ۸۱-۸۷.

شفیع پور، سیده زهرا؛ شیخی، علی؛ می‌زایی، مهشید و کاظم نژاد لیلی، احسان (۱۳۹۴). سبک‌های فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان. *پرستاری و مامایی جامعه نگر*، ۲۵(۷۶)، ۵۹-۴۶. کرد نوقایی، رسول (۱۳۷۸). روابط بین سبک‌های شناختی وابسته به زمینه و وابسته به زمینه دانش‌آموزان و شیوه‌های تربیتی مورد استفاده والدین آنها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

موحدزاده، بهرام و صفایی اردکانی، راضیه (۱۳۹۶). مقایسه رشد اجتماعی، شناختی حرکتی و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان اول ابتدایی برخوردار و نابرخوردار از خدمات مهد کودک. *سلامت اجتماعی*، ۱(۱۵)، ۴۸-۵۶.

Abu Bakar, Z., Ahmad, M.J., Dolah, S., Abd Halim, H., Anuar, N. (2012). Parenting styles and its effect on Malaysian primary school children's school performance. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 69, 1579 – 1584.

Aslan, S. (2011). The analysis of relationship between school bullying, perceived parenting styles and self-esteem in adolescents. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 1798 – 1800

Aunola, K., Stattin, H., & Nurmi, J. E. (2000). Parenting styles and adolescents' achievement strategies. *Journal of Adolescence*, 23, 205-222.

Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11, 56-95.